

طرح تئوری تعمیم سرمایه اجتماعی ملی به سرمایه اجتماعی بین‌المللی

برای ارتقای بُعد اجتماعی امنیت انسانی

بابک پورقهرمانی^۱

سعید باوفا^۲

چکیده

امنیت انسانی، مفهومی که در آستانه‌ی قرن بیست و یکم با تعامل بین دو حوزه امنیت و توسعه پا به عرصه حقوق بین‌المللی گذاشت و در مدت‌زمان کوتاهی، گسترده‌ی حقوق بین‌الملل بشری را توسعه داد به‌طوری که در دهه‌های اخیر، تلاش‌های وسیعی از سوی سازمان‌های دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد ملی و فراملی و همچنین سازمان‌ها، کنفرانس‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای ارتقای امنیت انسانی در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی، فردی، غذایی و سلامت صورت گرفته است. از طرفی ضرورت بهره‌مندی شهروندان از وجود جامعه‌ای امن و برخورداری از امنیت فردی شهروندان و گروه‌های اجتماعی، بُعد امنیت اجتماعی را شکل داده است. امنیت اجتماعی با مؤلفه‌هایی از قبیل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، وفاق و همبستگی و انسجام اجتماعی شهروندان و گروه‌ها و با تکیه بر سرمایه اجتماعی، احساس امنیت را در بین آحاد جامعه فراهم می‌کند. در مقاله حاضر تلاش برای طرح ایده‌ای است که با ارتقای هرچه بیشتر تعامل بین عناصر و مؤلفه‌های امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی می‌توان علاوه بر ارتقای امنیت اجتماعی و کسب سرمایه اجتماعی ملی و پایدار، این سرمایه اجتماعی ملی را به سرمایه اجتماعی بین‌المللی بسط و توسعه داد تا با شکل‌گیری واقعی این سرمایه در سطح جامعه جهانی بتوان در ارتقای امنیت انسانی و ابعاد هفت‌گانه آن از جمله امنیت اجتماعی گام‌های اساسی برداشت. نگارنده با استفاده از روش تحلیل کیفی و توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای سعی نموده ضمن تبیین مفهوم و جایگاه امنیت انسانی در نظام حقوق بین‌الملل، رابطه‌ای منطقی بین امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی را بررسی و به این نتیجه‌گیری دست یابد که می‌توان ایده سرمایه اجتماعی بین‌المللی را در پرتو سرمایه اجتماعی ملی ناشی از ارتقای امنیت اجتماعی پایدار در سطحی جهانی مطرح نمود و با بهره‌گیری از این سرمایه بین‌المللی امنیت انسان‌ها را در همه ابعاد زندگی ارتقا داد.

واژگان کلیدی

امنیت، حقوق بشر، امنیت انسانی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران،

B.pourghahramani@yahoo.com

۲. مربی حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، گروه حقوق، مراغه، ایران،

sa_bavafa@yahoo.com



با پایان جنگ سرد، بنیان‌های توسعه و امنیت، دورانی از آشفتگی را پشت سر گذاشتند که یکی از پیامدهای این امر، ظهور مفهوم امنیت انسانی بوده است (کارولین، ۱۳۸۲: ۲۵) در دوران جنگ سرد کشورهای غربی مصرانه به دنبال فراهم آوردن حقوق مدنی و سیاسی بودند (رهایی از ترس) و درحالی که بلوک شرق و کشورهای درحال توسعه به دنبال حقوق توسعه و اقتصاد بودند (رهایی از نیازمندی). همچنین در این دوره در گزارش برنامه توسعه انسانی سازمان ملل متحد، سعی شد بین این دو دیدگاه سازش ایجاد شود که در نتیجه مفهوم امنیت انسانی ابداع شد (تاج‌بخش، ۱۳۸۷: ۵۲). یکی از راه‌های مسلم اجرایی کردن امنیت انسانی تعریف آن به صورت مفهومی مبتنی بر مصلحت جهانیان است (تاج‌بخش، ۱۳۸۷: ۶۸). اگر در سطح بین‌المللی نپذیرند که امنیت انسانی مصلحت عموم جهانیان است، نمی‌توان از سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد انتظار داشت که گامی مؤثر در جهت تأمین آن بردارد. برای مقابله با چالش تهدیدات عصر حاضر که ماهیتاً پیچیده و متنوع هستند، ابزارهایی که برای مقابله با آن‌ها به کار می‌رود از جمله قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل نیز باید همین ویژگی را داشته باشند. این چالش‌های جدید امنیتی ما را وامی‌دارد که خلاقانه بیندیشیم و نگرش‌های مرسوم را برای تأمین نیازهای دوران جدید خودسازگار کنیم (عنان، ۱۳۸۰: ۸۷). امنیت انسانی در معنای موسع یعنی رهایی از نیازمندی، رهایی از ترس و زندگی سربلند و باکرامت. امنیت چه کسی؟ امنیت انسانی، بیشتر فرد یا افراد را مرجع امنیت می‌داند نه حکومت‌ها را. هرچند که این به معنی نادیده گرفته شدن امنیت حکومت‌ها نمی‌باشد. البته باید این را در نظر داشت که امنیت حکومت و امنیت افراد مکمل وابسته به همدیگر بوده و تقویت هریک موجب تقویت دیگری خواهد شد (تاج‌بخش، ۱۳۸۷: ۴۹). امنیت حاصل از چه چیز؟ بر اساس گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴، مفهوم امنیت باید تغییر کند و از مفهومی که بر ملت‌ها، تسلیحات و سرزمین مبتنی است به مفهومی که بر دغدغه‌های مهم‌تری هم چون افراد، توسعه انسانی، غذا، اشتغال و محیط‌زیست است مبدل شود که این امر هم مستلزم تغییر در موضوع امنیت است و هم مستلزم تغییر در ابزارهای آن (تیگروم، ۱۳۸۹: ۳۸) خطراتی که امنیت انسانی را تهدید می‌کنند ممکن است عینی و ملموس باشند مثل





عدم دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، زیست‌محیطی و غیره و یا ذهنی باشند مانند ترس از خشونت و جنایت، بی‌حرمتی، عدم توانایی در تعیین سرنوشت خویش و غیره؛ و این تهدیدات می‌توانند مستقیم باشند (به‌صورت هدف‌دار سازمان‌دهی شده باشند مثل نسل‌کشی، شکنجه) و یا غیرمستقیم باشند (آن‌هایی که حاصل اهمال‌کاری هستند یا دلیل ساختاری دارند مثل عدم سرمایه‌گذاری و توجه به بخش‌های کلیدی اجتماعی و اقتصادی هم چون بهداشت و آموزش). امنیت از چه طریقی؟ امنیت تنها به معنی پایان جنگ یا نبود خشونت نیست بلکه بهبود شرایط در همه حوزه‌هایی است که به‌نوعی با انسان‌ها سروکار دارند و این قبیل ناامنی‌ها را نمی‌توان از طریق راهکارهای نظامی و یا سیاسی حل نمود بلکه باید راهبردی بلندمدت و مبتنی بر توسعه و بهبود وضعیت حقوقی در سطح بین‌المللی به‌ویژه حقوق مرتبط با انسان‌ها همچون حقوق بشر جستجو کرد. اهمیت موضوع از آنجا ناشی می‌شود که پیدایش مفهوم امنیت انسانی به معنی رسیدن به این باور است که زندگی باکرامت انسان‌ها، کم‌اهمیت‌تر از امنیت کشورها و به‌طور کلی امنیت بین‌المللی نیست؛ و بدین ترتیب امروزه بحث امنیت انسانی در حوزه حقوق بین‌المللی و روابط بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند و بدون تردید، اسناد و مدارک و شواهدی وجود دارد مبنی بر این‌که در عصر حاضر، حقوق بشر و آزادی‌های فردی و به‌طور کلی امنیت انسانی در همه ابعاد جزء لاینفک حقوق بین‌الملل درآمده است و نیاز به درک وسیع‌تر جایگاه امنیت انسانی که خود را از حوزه ملی به حوزه بین‌المللی گسترش داده و به عبارتی جهان‌شمول شده، بیشتر نمایان می‌شود. امنیت انسانی ۷ مقوله مهم را در پوشش خود قرار داده که به هم مرتبط بوده و بر یکدیگر اثرگذار هستند و درصدد تأمین و تضمین و ارتقاء حقوق بنیادین بشر می‌باشند: امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت غذایی، امنیت سلامت، امنیت محیط‌زیست، امنیت شخصی، امنیت سیاسی (تیگرشتروم، ۱۳۸۹: ۴۵)؛ بنابراین لزوم بحث و بررسی و مطالعات آکادمیک و اکاوی مباحث مربوط به امنیت انسانی ایجاب می‌کند که با توجه به رویکرد جدید سازمان‌های بین‌المللی در خصوص امنیت و فرآیند جهانی‌شدن موضوعات و همچنین ظهور اشکال جدیدی از ناامنی‌ها همچون جرائم سازمان‌یافته، قاچاق انسان و مواد مخدر، قاچاق سلاح‌های سبک، تخریب محیط‌زیست و تروریسم و همچنین تغییرات کمّی و کیفی



بازیگران عرصه بین‌المللی، به جد باید دنبال شود و تبیین شود که حقوق‌دانان و سازمان‌های بین‌المللی با چه مکانیزم‌هایی می‌توانند زمینه‌های قانونی و حقوقی لازم جهت بسط و توسعه و تقویت ابعاد گوناگون مفهوم امنیت انسانی از جمله امنیت اجتماعی را فراهم نمایند و باید چه شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی محقق شوند تا شاهد ارتقای امنیت انسانی در جامعه جهانی باشیم.

مفهوم امنیت

«امنیت از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به‌سادگی میسر نیست. «امنیت» پیش از آن که مقوله‌ای قابل تعریف باشد پدیده‌ای ادراکی و احساسی است یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولت‌مردان و تصمیم‌گیران به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه امنیت لازم وجود دارد» [یا نه] (کاظمی، ۱۳۵۲: ۱۱۷).

هرچند در مفهوم کلی، امنیت به بر حذر بودن از خطرانی اطلاق می‌گردد که منافع و ارزش‌های انسان‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد، اما ماهیت آن در سطوح مختلف، پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر دارند. اصولاً باگذشت زمان و پیچیده‌تر شدن ساختار اجتماعات بشری، سطح وابستگی متقابل امنیتی میان انسان‌ها نیز بالاتر رفته است به‌طوری‌که اصطلاحاتی چون امنیت ملی، امنیت بین‌المللی و امنیت جهانی و امنیت انسانی وارد قاموس مطالعات امنیتی گردیده‌اند. در حال حاضر ضرورت و اهمیت امنیت در حوزه‌های مختلف بر کسی پوشیده نیست، اگر در گذشته مرجع امنیت را دولت‌ها می‌دانستیم، اکنون باید مرجع امنیت را جامعه بدانیم و اگر در گذشته امنیت خود را در پرتو ثبات یگانگی و آرامش جست‌وجو می‌کردیم امروزه باید مفاهیمی نظیر تغییر، کثرت و بحران را وارد آحاد تعریفی امنیت نماییم. اگر در گذشته به امنیت به‌عنوان یک پروژه حکومتی می‌نگریستیم، اکنون باید به آن به‌عنوان یک پروژه اجتماعی بنگریم (تاج‌بخش، ۱۳۸۷: ۴۹). امنیت یکی از ارزش‌های مهم اجتماعی است. ارزش‌ها نگرش فرد را نسبت به اشیاء وقایع تحت تأثیر قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد که نقش کلیدی ارزش‌ها در موضع‌گیری نسبت به موقعیت‌های محیطی و ارزیابی درباره میزان امنیت اجتماعی حائز اهمیت فراوان است (خواجه شاهکوهی، ۱۳۸۹: ۱۳). امنیت که به‌عنوان یکی از حقوق زیربنایی در نظام





حقوق بین‌المللی بشری به رسمیت شناخته شده در مفهومی کلی و عام عبارت است از تأمین خاطری که بر اساس آن انسان‌ها در اجتماعی که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، مال، حیثیت و همه حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند و نظام حقوق بین‌المللی بشری دربرگیرنده مجموعه حق‌هایی است که انسان‌ها در جوامع بشری مستحق داشتن آن‌ها می‌باشند. امنیت همه‌جانبه‌ی انسان‌ها در جوامع بشری، حقی است که در دهه‌های اخیر تحت عنوان «امنیت انسانی» و با ابعادی گسترده مورد توجه صاحب‌نظران، حقوق‌دانان و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و حتی قوانین داخلی کشورهای جهان قرار گرفته است. یکی از نیازهای اساسی هر جامعه‌ای و هر فرد انسانی استقرار نظم و امنیت اجتماعی است. امنیت اجتماعی این امکان را فراهم می‌کند تا افراد جامعه با عضویت در گروه‌هایی مثل خانواده، سازمان‌های مردم‌نهاد، احزاب و ... که از هویت ارزشی و سیاسی و فرهنگی خاصی برخوردار هستند، مشارکت فعالی در عرصه‌های مختلف جامعه داشته باشند تا در سایه این مشارکت‌ها، اعتماد و انسجام اجتماعی پدیدار گردد و شهروندان جامعه با برخورداری از حقوق شهروندی خود احساس امنیت بیشتری کنند چراکه این احساس امنیت در اجتماع، سرمایه اجتماعی پایداری را در جامعه به جود خواهد آورد و این سرمایه امنیت ملی را مستحکم‌تر نموده و در نتیجه اقتدار ملی یک کشور در صحنه بین‌المللی آشکار خواهد شد.

مفهوم امنیت انسانی

در مورد تعریف امنیت انسانی تعاریف متنوعی از سوی صاحب‌نظران و محققان ارائه شده است؛ اما عمده‌ی این تعاریف نقاط اشتراک فراوانی دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «امنیت انسانی، دور بودن از همه تهدیدهایی است که بقای انسانی، زندگی روزمره و شخصیت او را به مخاطره می‌اندازد. تهدیدهایی از قبیل تخریب محیط‌زیست، نقض حقوق بشر، جرائم سازمان‌یافته، قاچاق مواد مخدر و تلاش مستمر برای مبارزه با این تهدیدها جزئی از فرآیند امنیت انسانی است» (کینگ، ۱۳۸۳: ۷۸۱). در یکی از این تعاریف هدف امنیت انسانی محافظت از هسته‌ی حیاتی همه آدمیان در مقابل تهدیدات شایع و گسترده است؛ به گونه‌ای که باکمال و تعالی بلندمدت بشری سازگار باشد. بر



اساس این تعریف، امنیت انسانی قصد حراست از انسان‌ها را دارد؛ یعنی تهدید محور نیست. هم‌چنین امنیت انسانی مشوق حراست و مراقبت نهادینه، پاسخگو پیشگیرانه است، نه انفعالی. در این تعریف حیات همه‌ی آدمیان مدنظر است و نه حفاظت از سرزمین و قلمرو دولتی خاص که مشخصه‌ی سیاست‌های امنیتی ادوار گذشته است. در اینجا امنیت انسانی به امنیت همه‌ی ابنای بشر فارغ از جنسیت، نژاد، دین، شهروندی و دیگر ویژگی‌های انسان‌ها، معطوف می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۴: ۲۶۱). امنیت انسانی حفاظت از هسته‌ی حیاتی زندگی همه‌ی انسان‌ها در برابر تهدیدهای شایع و حاد است به‌گونه‌ای که با رضایت و کرامت انسانی سازگار باشد (پور سعید؛ ۱۳۸۷: ۵۴۷). امنیت انسانی، آزادی از نیاز، آزادی از ترس و احترام به کرامت انسانی برای مشارکت در فعالیت اجتماعی است (غرایاق زندی؛ ۱۳۸۷: ۵۷۶). تمرکز امنیت انسانی بر خطراتی است که افراد و جوامع را تهدید می‌کند. این خطرات می‌تواند بقای افراد را تهدید کند (مانند سوءاستفاده جسمی، خشونت، شکنجه و یا مرگ) و یا تهدیدی باشد که معیشت انسان (مانند بیکاری، کمبود غذا، مشکلات بهداشتی، خطرات زیست‌محیطی و غیره) را مورد حمله قرار دهد و یا کرامت انسان را به خطر اندازد (تاج‌بخش، ۱۳۸۷: ۴۹). تعاریف فوق را می‌توان به دودسته‌ی مضیق و موسع تقسیم کرد: در تعاریف مضیق بر تهدیدهای سنتی امنیت مانند خشونت و منازعات تأکید می‌شود، اما تعاریف موسع، آزادی از ترس و نیاز و تهدیدهایی مانند فقر و محیط‌زیست و ... را در برمی‌گیرد. امروزه با توجه به اهمیت مفهوم امنیت انسانی و گستره‌ی آن و برای حفاظت و توسعه این مفهوم، نخست باید حقوق و آزادی‌های افراد بشر تصدیق و تأیید شوند و برای رسیدن به این نکته لازم است تلاشی هماهنگ برای ایجاد هنجارها و قواعد، رویه‌ها و فرایندها و هم‌چنین نهادهای ملی و بین‌المللی صورت گیرد تا این نهادها و قواعد به‌صورت سیستماتیک، جامع و پیشگیرانه به ناامنی‌ها و رفع و دفع آن‌ها اهتمام ورزند. در ارتباطی وثیق، امنیت انسانی از دیدگاه حقوق بین‌المللی، از دو منظر قابل بررسی است: جنبه امنیتی آن در قالب «نظام امنیت دسته‌جمعی» و جنبه انسانی آن در قالب «نظام بین‌المللی حمایت».

امنیت انسانی با تعدیل نگرش نظام حقوق بین‌الملل نسبت به بنیادهای امنیت، توصیف مخاصمات و منابع تهدید صلح و امنیت بین‌الملل، قواعد ناظر و صلح‌سازی، نظام



هنجاری معطوف به آن را نیز تحت تأثیر قرار داده و مفهوم مداخله بشردوستانه را به پایین‌ترین سطح ممکن می‌رساند و امنیت در شکل‌های شخصی، اجتماعی و بین‌المللی آن، حقی بشری است و قواعد بین‌المللی حقوق بشر چارچوب هنجاری امنیت انسانی را از این قواعد به کار می‌بندد. این تعامل نتیجه‌ای مثبت و از دوجه بر نظام قواعد بین‌المللی حقوق بشر تأثیر می‌گذارد؛ ریشه اصلی ناامنی‌ها، نقص‌های حقوق بشری است و در عین احترام به حقوق بشر از ناامنی‌ها جلوگیری می‌کند. امنیت انسانی در عمر کوتاه خود شاهد دستاوردهایی در عرصه بین‌الملل بوده است. علیرغم انتقادات جدی مطرح‌شده به امنیت انسانی که قابل تأمل است تغییر شکل امنیت از مسئله‌ای دولت‌محور به بشر محور حائز اهمیت می‌باشد. امنیت انسانی بیشتر فرد یا افراد را مرجع امنیت می‌داند نه حکومت‌ها را. هرچند که این به معنی نادیده گرفته شدن امنیت حکومت نمی‌باشد. البته باید این را در نظر داشت که امنیت حکومت و امنیت افراد مکمل وابسته به هم دیگر بوده و تقویت هریک موجب تقویت دیگری خواهد شد (تاج‌بخش، ۱۳۸۷: ۴۹). دومین دستاورد امنیت انسانی، دستاوردهای سیاسی در صحنه بین‌المللی می‌باشد که خود در دو بُعد مورد توجه قرار می‌گیرد. اولین بُعد دستاورد سیاسی را می‌توان چنین بیان کرد که ظهور مفهوم امنیت انسانی به معنی پیروزی این باور است که زندگی باکرامت افراد اگر از امنیت بین‌المللی و امنیت کشورها مهم‌تر نباشد، کم‌اهمیت‌تر از آن‌ها هم نیست؛ و دومین بُعد دستاورد سیاسی نیز این که امر موجب درکی چندجانبه از رابطه متقابل خطرات و تهدیدات نه تنها در میان مرزها بلکه در بین بخش‌ها شده است. برای مثال وقتی مردم از ناامنی اقتصادی رنج می‌برند، سلامتشان نیز به خطر می‌افتد. ناامنی غذایی تنها ناشی از کمبود غذا نیست، بلکه ریشه در مشکلات محیطی، توزیع، کیفیت و غیره دارد؛ و سومین دستاورد مفهومی امنیت انسانی این که پذیرش چنین مفهومی کمک می‌کند علل اصلی مناقشات حاصل از نارضایتی مردم و گروه‌ها را در بی‌عدالتی و نابرابری بجویم و نه فقط در رهبری سیاسی که به دنبال دستاوردهای سیاسی هستند؛ و چهارم این که مسائل مربوط به توسعه زندگی روزمره مردم به اندازه دفاع و تدارکات نظامی مهم هستند. به عبارتی بهترین استراتژی امنیتی، استراتژی تضمین‌کننده توسعه است؛ و پنجم این که مفهوم امنیت



انسانی چندجانبه‌گرایی بین‌المللی را تقویت می‌کند (تاج‌بخش، ۱۳۸۷: ۵۰). درنهایت این که مفهوم امنیت انسانی باعث پذیرش این مسئله شده که مردم خود می‌توانند عامل تغییر باشند.

تعامل امنیت انسانی با امنیت ملی و امنیت بین‌المللی

در زمان جنگ سرد عمدتاً امنیت با ماهیت قدرت سخت‌افزاری مورد ارزیابی و مطالعه قرار می‌گرفت، پس از بین رفتن شوروی، ماهیت اقتصادی امنیت بیش‌تر مطرح گردید. در این مقطع فقر اقتصادی، توسعه‌نیافتگی و فقدان رفاه ملی به‌عنوان عوامل تهدید امنیت مطرح شد. به‌موازات آن، توسعه اقتصادی و اجتماعی و رفاه عمومی مساوی با امنیت ملی تلقی گردید؛ زیرا نظام سرمایه‌داری غرب با سیستم اقتصاد آزاد، عنصر اقتصاد را جایگزین عنصر نظامی نموده و همین امر، بازتاب وسیعی در آرا و افکار اندیشمندان و نظریه‌پردازان مسائل امنیتی از خود به‌جای گذاشت (سجادی، ۱۳۷۹: ۹۸-۹۹). درحالی که اغلب برداشت‌ها از امنیت در دوره جنگ سرد بر محوریت عامل نظامی استوار بود؛ در دوره‌ی پس از فروپاشی شوروی، امنیت به‌عنوان یک مفهوم چندلایه با ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیطی رخ نمایند (ماندل، ۱۳۸۷: ۱۵۹) و دیگر، دولت‌ها امنیت ملی خود را کم‌تر در معادلات نظامی کشورها و توان تسلیحاتی خود موردتوجه قرار می‌دادند. رقابت اقتصادی و مسابقه بازاریابی، مسائل محیطی و فرهنگی بیش‌تر از گذشته در تحلیل‌ها و مطالعات متفکران سیاسی مطرح گردید (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۰۲). بنابراین مفهوم امنیت در طول دهه‌های گذشته، مسیر تحول را در پیش‌گرفته و از امنیت دولت‌محور و مرزهای سرزمینی و تهدیدات صرف نظامی به‌سوی امنیت انسان‌ها در همه ابعاد زندگی بشری در حال رشد و تعالی است. تفاوت امنیت ملی و امنیت انسانی را می‌توان در چهار حوزه‌ی مرجع، گستره، بازیگران و ابزارها موردبررسی قرار داد:

- الف) امنیت انسانی، انسان‌محور است؛ درحالی که امنیت ملی، دولت‌محور می‌باشد.
- ب) امنیت انسانی از مبارزه با طیف وسیعی از تهدیدها مانند آلودگی محیط‌زیست، فقر، بیماری‌های عفونی و نظایر آن حمایت می‌کند؛ اما امنیت ملی درصدد حمایت از





قلمرو دولت در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی است؛ ج) دولت در حوزه امنیت ملی، بازیگر اصلی است؛ ولی در امنیت انسانی مشارکت وسیع بازیگران مطرح است؛ د) امنیت ملی بر توان نظامی استوار است و امنیت انسانی بر توانمندسازی، حفاظت، رفع مخاطرات و جبران خسارت‌ها تأکید دارد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۳۱-۸۱۷). بنابراین تلفیق سه مفهوم امنیت انسانی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی را می‌توان امنیت پایدار معنی نمود و این امنیت بر آن است تا امنیت دولت‌ها را حفظ کند بدون آن‌که امنیت مردم را به خطر اندازد و بدون آن‌که تهدیدات متوجه امنیت جهانی هم چون ایدز، تهدیدات زیست‌محیطی، تروریسم و جنایات سازمان‌یافته را تشدید کند (پور سعید، ۱۳۸۹: ۲۰۸).

مفهوم بُعد اجتماعی امنیت انسانی

نیاز به امنیت و ضرورت احساس ایمنی، حتی قبل از ظهور جوامع انسانی نیز دغدغه اصلی انسان‌ها بوده است و این بیانگر این نکته است که انسان‌ها در زندگی اجتماعی خود نیازمند تأمین امنیت در همه ابعاد آن از سوی نظام سیاسی حاکم بر جامعه خویش بوده‌اند. یکی از این ابعاد، بُعد اجتماعی امنیت انسانی یعنی «امنیت اجتماعی» می‌باشد البته با ذکر این نکته که منظور امنیت اجتماعی است نه اجتماع امنیتی شده؛ که با تمرکز بر روی عناصر و شاخص‌های اساسی و اثرگذار بر امنیت اجتماعی و کسب سرمایه اجتماعی ملی، می‌توان این سرمایه ملی را به سرمایه‌ای بین‌المللی تعمیم داد. تفاوتی که بین امنیت انسانی و امنیت اجتماعی وجود دارد آن است در مفهوم امنیت انسانی بر مرجعیت فرد تأکید می‌شود و عنصر اساسی موردنظر در این مفهوم، فرد است نه گروه، درحالی‌که امنیت اجتماعی، کلیات جامعه را مدنظر قرار می‌دهد که در قالب گروه‌های مختلف اجتماعی خودنمایی می‌کنند. امنیت اجتماعی همچون مفهوم اصلی امنیت در دو بُعد عینی و ذهنی مطرح می‌باشد؛ تعریف جامع و دقیقی از امنیت اجتماعی ارائه نشده و عمدتاً به بُعد داخلی امنیت کشورها اشاره دارد. «به نظر عده‌ای امنیت اجتماعی به‌وسیله دولت و هیئت حاکم بر جامعه و به نظر عده‌ای دیگر با مشارکت مردم در جامعه تبیین و اجرا می‌شود.» (اچ ترنر، ۱۳۷۸: ۲۸). امنیت اجتماعی عبارت از امنیتی است که فرد در اجتماع از سایر هموعان خویش انتظار دارد (امین زاده، ۱۳۷۹: ۱۴).



اصطلاح امنیت اجتماعی برای نخستین بار در سال ۱۹۹۱ در کتاب «مردم، دولت و هراس» توسط باری بوزان مطرح شد؛ وی امنیت اجتماعی را در قالب یکی از پنج بُعد امنیت تبیین کرد و تهدیدات امنیت اجتماعی را تهدیداتی برشمرد که هویت جامعه را به خطر می‌اندازند. از طرفی ویور^۱ امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدهای عینی و احتمالی تعریف می‌کند و بر ارتباط نزدیک میان هویت و امنیت تأکید دارد. به‌طوری‌که باید قادر به حل اختلافات هویتی بوده و اعضای آن نیز باید در مقابل عواملی که هویتشان را مورد تهدید قرار می‌دهند احساس مسئولیت نداشته و آن‌ها را به دولت واگذار نمایند. (نویدینیا، ۱۳۸۲، ص ۶۱). ویور هویت را به‌عنوان مفهوم صریح امنیت اجتماعی قلمداد نموده و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح می‌شود که جامعه تهدیداتی نسبت به هویتش احساس کند (موتیمر، ۱۳۸۰، ص ۵۸). تونیس^۲ جامعه‌شناس آلمانی معتقد است که در هر جمع انسانی نمی‌توان روابط صمیمی، دوستانه و مبتنی بر همکاری و روابط حمایتی برقرار نمود و این روابط فقط در بین گروه‌ها و یا دسته‌های انسانی که در مقیاس کوچک تشکیل می‌شوند امکان‌پذیر می‌باشد که وی آن را اجتماعی می‌نامد. مولار^۳ اندیشمند دیگر، معتقد است در امنیت اجتماعی، هدف مرجع، گروه‌های اجتماعی و تهدیدات آن نیز هویت می‌باشد. چراکه وی مرجع امنیت در امنیت ملی را دولت و در امنیت انسانی تک‌تک افراد جامعه و در امنیت اجتماعی، گروه‌های اجتماعی می‌داند. وی تأکید دارد که امنیت اجتماعی را می‌توان به‌عنوان یک مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی به کاربرد و آن را این‌گونه تعریف می‌کند: امنیت اجتماعی عبارت است از قابلیت حفظ شرایط قابل‌پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ‌ها، انجمن‌ها، مذهب، هویت ملی و رسوم. از مفهوم امنیت اجتماعی چنین استنباط می‌شود که این امنیت در درون جامعه بشری دو طیف اصلی را در برمی‌گیرد؛ اول شهروندان و دوم گروه‌های اجتماعی تشکیل‌شده در آن جامعه. به عبارتی با تحقق امنیت اجتماعی، جامعه و نظام سیاسی حاکم موظف به ایجاد آرامش و آسودگی خاطری برای این دو

۱. Viour

۲. Tonis

۳. Molar



طیف اثرگذار می‌باشد. چراکه وجود جامعه‌ای سالم و ایمن در پرتو تحقق حقوق شهروندی و ایجاد احساس امنیت در همه ابعاد آن برای همه عوامل اجتماعی خواهد بود. درنهایت می‌توان این تعریف را هم در رابطه با امنیت اجتماعی ارائه نمود که امنیت اجتماعی عبارت است از حراست و حفاظت از کرامت انسان‌ها در پرتو تعامل حکمرانان و شهروندان جامعه. همان‌گونه که بیان شد امنیت یک موضوعی نسبی است و امنیت مطلق وجود ندارد؛ هیچ نظام اجتماعی نمی‌تواند تهدیدات امنیتی را به‌طور کامل از بین ببرد. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که جهانی شدن می‌تواند ابعاد مثبت و منفی برای ابعاد گوناگون امنیت انسانی ازجمله امنیت اجتماعی داشته باشد. ظهور اندیشه فرا قلمروگرایی می‌تواند با توانمندی‌های نظامی ویرانگرتر، تخریب فزاینده محیط‌زیست، فقر پایدار، بی‌ثباتی مالی، استخدام وضعیت شغلی متزلزل‌تر، انحطاط فرهنگی، عدم انسجام اجتماعی بیشتر و نگرانی افزون‌تر نسبت به وضعیت دانش همراه گردد (شولت، ۱۳۸۲: ۸۹۶). در بُعد امنیت اجتماعی نیز، جهانی شدن موجب کاهش امنیت اجتماعی گردیده و گاهی با اضمحلال فرهنگی، امنیت هویت را کاهش داده است. فرهنگ‌های مختلف در برابر امواج مهاجم رسانه‌های صوتی و تصویری، حضور گردشگران خارجی، زبان انگلیسی جهانی شده، مباحث حقوق بشری، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی و دیگر مداخلات فرامرزی که سنت‌های محلی را زیر پا می‌گذارند، آسیب‌پذیر شده‌اند؛ و از طرفی ارتباطات فراملی، یکپارچگی‌های دولت - ملت‌ها را کاهش داده است. در جمع‌بندی می‌توان گفت: الف) تدابیر کلاسیک امنیتی که به‌طور عمده دولت‌محور بوده و جنبه سخت‌افزاری داشتند، دیگر مقرون‌به‌صرفه به نظر نمی‌رسد؛ ب) بزرگی و پیچیدگی عرصه و نیروهای اجتماعی، که به دو سطح افقی و عمودی قابل تقسیم هستند؛ در سطح افقی می‌توان به مواردی هم چون افزایش جمعیت، رشد شهرنشینی، ارتقای سواد، سرعت انتقال اطلاعات و مانند آن‌ها اشاره نمود (عباس زاده، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۱). در سطح عمودی نیز کیفی شدن مطالبات، دسترسی به اطلاعات مؤثر، گسست نسلی، جوانی جمعیت، تأثیرپذیری مغناطیسی و رشد جامعه مدنی، واقعیاتی هستند که توجه به تعابیر موسع و نوین از امنیت بین‌الملل و امنیت ملی را در قالب امنیت انسانی گریزناپذیر می‌سازند.



رابطه امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی

برای رسیدن به رابطه میان امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، ابتدا بایستی چارچوب نظری این دو مفهوم را مورد مطالعه قرارداد و برای نیل به این هدف ابتدا به مفهوم امنیت اجتماعی از دیدگاه دو نظریه پرداز معروف این حوزه یعنی باری بوزان و ویور که در حوزه امنیت مطالعات جامعی دارند می پردازیم. بوزان و ویور معتقد بودند که منشأ امنیت، ذهنی است و از نظر بوزان، امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که افراد انسانی در جامعه باید از آن برخوردار باشند و به عبارتی آرامش خاطر و ایمنی است که جامعه برای اعضای خود فراهم می کند. وی معتقد است که اجتماعات برای مفهوم هویت اهمیت فراوانی قائل هستند و چنین بیان می کند که جامعه درگیر هویت و خودباوری های افراد و گروه هایی هست که خود را اعضای آن به شمار می آورند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۷-۱۴۶). بوزان و ویور تحت تأثیر عقاید جان لاک که معتقد بود: «هدف اصلی انسان ها از این که اختیار خود را به دولت ها بدهند حفظ دارایی های آن ها می باشد»، استدلال می کنند که منظور از دارایی ها همان امنیت جانی و جمعی، حق حیات، امنیت سیاسی و حق آزادی و امنیت اقتصادی است که در حالت عادی فاقد امنیت می باشند. بوزان تهدیدات را به سه گروه تهدیدهای اقتصادی (تخریب و تصرف اموال، عدم دسترسی به شغل و ...)، تهدیدهای فیزیکی (مرگ، درد و رنج و آسیب دیدن و ...) و تهدیدهای حقوقی (حبس، تنزل رتبه شغلی، عدم دسترسی به آزادی های عادی و ...) (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۵) تقسیم می کند. از طرفی پانتم یکی از نظریه پردازان در حوزه سرمایه اجتماعی است. وی سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی از قبیل: اعتماد اجتماعی، هنجارها و شبکه ها می داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می شود و نهایتاً منافع متقابل آن ها را تأمین خواهد کرد. وی معتقد است، اعتماد اجتماعی و ارتباط متقابل اعضای یک شبکه، منبعی هستند که در کنش های اعضای جامعه موجود است (پانتم، ۱۳۸۰: ۲۲۵). پانتم موفقیت در غلبه بر معضلات عمل جمعی و فرصت طلبی را که در نهایت به ضرر خود افراد تمام می شود، به زمینه گسترده آن مربوط می داند؛ به گونه ای که همکاری داوطلبانه در جامعه ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه های مشارکت مدنی به



ارث برده، بهتر صورت می‌گیرد. وی معتقد است که شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی است و هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای گسترش یابند، احتمال همکاری و همیاری شهروندان در جهت منافع متقابل افزایش می‌یابد. شبکه‌های مشارکت مدنی، هزینه‌های بالقوه نقض پیمان را در هر معامله‌ای افزایش می‌دهند. این شبکه‌ها هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند، ارتباطات را تسهیل کرده و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می‌بخشند (پانتام، ۲۹۸: ۱۳۸۰؛ کلمن، ۱۳۷۷: ۲۸۳-۲۸۷؛ بحری پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۴). نظرات پانتام نشان می‌دهد که اعتماد باعث تسهیل در همکاری‌های متقابل می‌شود و به هر میزان که سطح اعتماد در جامعه افزایش می‌یابد به همان میزان سطح همکاری‌ها نیز بیشتر می‌شود و این همکاری متقابلاً اعتمادساز خواهد بود (پانتام، ۱۳۸۰: ۲۹۲)؛ بنابراین با توجه به استدلال پانتام از سرمایه اجتماعی که آن را مجموعه‌ای از مفاهیم همچون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که به وجود آورنده ارتباط و مشارکت مطلوب در بین اعضای یک اجتماع و درنهایت تأمین منافع متقابل آن‌ها برمی‌شمرد، رسیدن اعضا به منافع موردنظرشان می‌تواند امنیت اجتماعی اعضا را تأمین نماید؛ و از طرفی چون پانتام تقویت پیوند ارتباطی میان افراد را از ویژگی‌های سرمایه اجتماعی بیان کرده و معتقد است این پیوندها موجب ارتقای همکاری و همبستگی میان اعضای جامعه می‌شود و همکاری جمعی، اعتماد اجتماعی و قابلیت مدنی شهروندان را افزایش خواهد داد بنابراین ارتقای سطح سرمایه اجتماعی در جامعه، می‌تواند با افزایش احساس امنیت در بین اعضای جامعه، موجبات ارتقای امنیت اجتماعی را فراهم نماید.

سرمایه اجتماعی ملی و شاخص‌های آن

یکی از اصلی‌ترین و مؤثرترین مؤلفه‌هایی که امنیت اجتماعی و امنیت ملی را تقویت و موجبات آرامش و ایمنی شهروندان در جامعه را فراهم می‌کند، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی ماده خام جامعه مدنی است که از تعامل روزمره مردم به دست می‌آید و به ایجاد ارتباطات اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اصول اعتماد اجتماعی، همکاری متقابل و هنجارهای اجتماعی می‌پردازد. کلمن معتقد است سرمایه اجتماعی، سرمایه و



منابعی است که افراد و گروه‌ها می‌توانند آن را از طریق پیوند با یکدیگر و با توجه به میزان و شدت ارتباطات خود به دست آورند. (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۶). اسمیت نیز معتقد است که سرمایه اجتماعی، منبع و سرمایه‌ای است که کنشگران می‌توانند به واسطه ارتباط با اعضای دیگر در گروه‌ها، شبکه‌ها و سازمان‌ها به دست آورند (اِسمیت، ۲۰۰۵: ۵). در این راستا سرمایه اجتماعی از طریق کاهش هزینه‌های روابط اجتماعی باعث حل مسالمت‌آمیز تضادها و تفاوت‌های بین اشخاص و همچنین تضاد بین گروه‌های اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۵). از طرفی دیگر سرمایه اجتماعی با فراهم کردن اعتماد، همکاری بین گروه‌های اجتماعی را امکان‌پذیر ساخته و همین همکاری گروه‌ها و اعتماد بین آن‌ها باعث می‌شود که منافع همگانی مانند امنیت اجتماعی فراهم‌شده و هزینه‌های نظارت نهادهای رسمی نیز کاهش یابد. (فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۲۰۳). در ادامه بهتر است نگاه مختصری به دو مفهوم اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی داشته باشیم.

اعتماد اجتماعی

اعتماد یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. فوکویاما^۱ معتقد است: «اعتماد بر یک سلسله عادات اخلاقی و تعهدات رفتاری دوطرفه استوار است که به وسیله اعضای جوامع نهادینه می‌شود.» اعتماد مردم به یکدیگر، مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد نهادهای یادشده به یکدیگر و اعتماد حکومت و این نهادها به مردم وجوه مختلف اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهد. (ذکایی، ۱۳۸۱: ۶۶۱). از سوی دیگر درستکاری، صداقت، وفای به عهد، انصاف و عدالت ارزش‌های اعتمادآفرین هستند. اعتماد شاخصی است که می‌توان با تقویت آن در عرصه بین‌المللی، تحول مهمی را در بین دولت‌ها با یکدیگر و دولت‌ها با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به وجود آورد و راه را برای دستیابی به سرمایه اجتماعی بین‌المللی هموار نمود.

مشارکت اجتماعی

مشارکت در امور اجتماعی ورود به شبکه‌هایی مبتنی بر ارزش‌های مشترک، ابعادی

۱. Fukuyama, Francisc



دیگر از سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند. میزان مشارکت در فعالیتهای مدنی نظیر انتخابات، حضور در گردهمایی‌ها، راهپیمایی‌ها، مناظره‌های سیاسی، نامه نوشتن به روزنامه‌ها و نمایندگان مجلس و مقامات حکومتی نظیر امضای طومار، درصد افرادی که بدون دریافت دستمزد در یک پروژه محلی یا کار گروهی مشارکت داشته‌اند و درصد افرادی که عضو گروه یا انجمن شهروندی هستند به‌عنوان دیگر شاخص‌های سرمایه اجتماعی مطرح هستند (شیرخانی، واسعی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۶). آزادی فعالیت مدنی و بسته نبودن راه و تشکیل نهادهای مستقل از قدرت و حجیم نبودن دولت نیز مقوم و محرک مشارکت عمومی است (امیراحمدی، ۱۳۷۴: ۶)؛ بنابراین نقش سرمایه اجتماعی علاوه بر پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی، موجب ارتقای انسجام و اعتماد و مشارکت اجتماعی و نهایتاً برقراری امنیت اجتماعی پایدار در سطح ملی خواهد شد و این اقتدار در سطح ملی، می‌تواند سرمایه باارزشی را به ارمغان آورد که علاوه بر این‌که دستاورد مهمی برای نظام سیاسی و حقوقی حاکم بر جامعه در عرصه بین‌المللی به شمار می‌رود، الگویی برای تقویت روابط بین‌المللی برای رسیدن به یک سرمایه مهم تحت عنوان سرمایه اجتماعی بین‌المللی خواهد شد.

تعمیم سرمایه اجتماعی ملی به سرمایه اجتماعی فراملی

عوامل فوق از مؤلفه‌های بسیار مهم برای افزایش مشروعیت سیاسی و به تبع آن قدرت نرم یک دولت محسوب می‌شوند. حضور دولت‌ها در عرصه بین‌المللی به‌عنوان یک بازیگر کارآمد و اثرگذار در معادلات و روابط بین‌المللی نیازمند پشتوانه‌ای اجتماعی و ملی متشکل از شهروندان و گروه‌های اجتماعی حاضر در جامعه حاکم بر آن است؛ اما این‌که سرمایه اجتماعی مطرح در درون جوامع که بر پایه اعتماد، مشارکت و هنجارهای اجتماعی شکل گرفته است، چگونه بر امنیت بین‌المللی تأثیر دارد و این سرمایه را می‌توان به سرمایه اجتماعی فراملی تعمیم داد بایستی از جهات گوناگون همچون نقش شهروندان مسئول و حکمرانی مطلوب، نقش شبکه‌های اجتماعی، اقدامات داوطلبانه بین‌المللی، قواعد، هنجارها و شبکه‌های بین‌المللی مورد کنکاش قرار گیرد. اعمال حکمرانی مطلوب باعث ارتقای میزان اعتماد اجتماعی می‌شود که به‌نوبه خود تأثیر



امنیت‌زای آن انکار ناشدنی است، چون نظم اجتماعی مرهون رضایت‌مندی شهروندان است که خود موجب شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی به‌منزله‌ی نشانه سرمایه اجتماعی می‌گردد. سرمایه اجتماعی نشانه اعتماد سیاسی و مشروعیت و باعث افزایش حمایت شهروندان از سیاست‌های اعمالی و عمل کردن به آن‌ها طبق قانون است. سرمایه اجتماعی باعث تقویت مبانی یکپارچگی ملی، تسهیل شکل‌گیری جامعه مدنی، تقویت مجاری فرکانس مشارکت سیاسی. اجتماعی، ارتقای ظرفیت پاسخ‌گویی نظام سیاسی، که همگی موجبات پاسخ‌گویی بیشتر و روان‌تر حکومت را به دنبال دارد (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۵۵-۴۶) و این یعنی حضور دولت در قالب یک دیپلماسی مقتدر و فعال و اثرگذار در عرصه‌های مختلف بین‌المللی اعم از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی خواهد بود و خود زمینه‌های اعتماد بین‌المللی به دولت و ملتی خواهد بود که در جامعه ملی، سرمایه گران‌بهای اجتماعی را در سایه افزایش اعتماد، مشارکت و هنجارهای ملی کسب نموده‌اند؛ و این گامی برای مشارکت و همکاری‌های بین‌المللی در موضوعات مختلف بین‌المللی به‌ویژه مقابله با تهدیدات مختلف مانند تروریسم، قاچاق انسان و مواد مخدر، جرائم سایبری و آلودگی محیط‌زیست، فقر و گرسنگی، بیماری‌های مهلک و ... که امنیت انسانی و جهانی را به خطر می‌اندازند، خواهد بود. از طرفی با شکل‌گیری جوامع فراملی، مرکب از سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی فراملی از یک‌سو اجتماعات مجازی بشری از سوی دیگر، بحث سرمایه اجتماعی درون این جوامع قابل طرح گردید (شیرخانی، واسعی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۶). این جوامع جدید که درگذشته با عنوان جامعه بین‌الملل مطرح می‌شدند در طرح موضوع مفید خواهند بود. از سویی با رشد فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید امکان شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در میان گروه‌های خارج از مرزهای ملی مطرح شد و از این به بعد است که می‌توان به سرمایه اجتماعی در نهادهای مدنی جهانی، سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی، گروه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای به‌عنوان عناصر شکل‌دهنده به «جهان چندمرکزی» اشاره کرد. در دهه‌های اخیر همکاری‌های بین‌المللی در مواجهه با برخی مسائل بین‌المللی از قبیل بحران‌های اقتصادی، آلودگی‌های شیمیایی، صوتی، حملات تروریستی، تهدیدات زیست‌محیطی مانند زوال لایه اوزون و ... اهمیت یافته و بر روابط دولت‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی اثرگذار شده



است. هم‌چنین حقوق‌دانان و نهادهای حقوقی بین‌المللی برای تدوین قوانین و مقررات حقوقی به تکاپو افتاده‌اند (روزنا، ۱۳۸۴: ۴۵۳-۴۴۷). به دنبال این همکاری‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی شاهد ظهور انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح فراملی هستیم که در کنار سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به‌وجود آمده‌اند. این انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌توان به‌عنوان سرمایه اجتماعی بین‌المللی تلقی کرد، زیرا همان‌طور که میزان عضویت شهروندان در تشکلهای مردم‌نهاد ملی، شاخص مهمی برای بهره‌مندی آنان از سرمایه اجتماعی ملی شناخته می‌شوند، میزان عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی نیز می‌تواند نشان‌دهنده بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی بین‌المللی باشد. به این منظور در اجتماعاتی چون انجمن پزشکان هوادار جلوگیری از جنگ هسته‌ای و یا شبکه فضایی رسانه‌ها گرد هم آمده‌اند (روزنا، ۱۳۸۴: ۳۷۰). از سویی دیگر شبکه‌های اجتماعی را می‌توان از بسترهای مؤثر در تولید علم، اشتراک عقاید و رشد فردی و اجتماعی دانست. هدف شبکه اجتماعی این است که با فراهم آوردن امکان ارتباط بین سرمایه‌های فردی و تشکیل سرمایه اجتماعی، به رشد و ارتقای سطح علم کمک کند. هدف کلی هر شبکه اجتماعی، ایجاد سرمایه اجتماعی و تسهیل ارتباط بین متخصصان، هنرمندان و صاحبان حرفه‌های متعدد است. تبدیل سرمایه فردی به سرمایه اجتماعی، از مسائل مهم و موردتوجه تمامی حوزه‌های علمی است. از این طریق، دانش فردی به دانش جمعی تبدیل و درواقع از دانایی جمعی برای حل مسائل و مشکلات دنیای علم بهره‌برداری می‌شود. ارتباطات، نوع جدیدی از ارتباطات مجازی را از طریق ماهواره، اینترنت و... به وجود آورده که جهان جدیدی به‌موازات جهان واقعی را شکل می‌دهند. رسانه‌های الکترونیکی مخاطبان وسیع و متکثری دارند که مجموعه‌هایی از حیث محتوای نمادین را به این مخاطبان عرضه می‌کنند. در چنین شرایطی فضای مجازی شکل می‌گیرد و فرهنگ‌ها همه از طریق واسطه‌های الکترونیکی منتقل می‌شوند و مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا می‌کنند. فواصل زمانی و مکانی عملاً از میان برداشته می‌شوند و انتقال اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط هم‌زمان میان افراد در نقاط مختلف به‌وجود می‌آید. اجتماعات مجازی بین‌المللی را می‌توان در دودسته اجتماعات محلی و اجتماعات مبتنی بر منافع مشترک تقسیم نمود. اجتماعات



مبتنی بر منافع مشترک در چارچوب مرزهای اجتماعی فعالیت می‌کنند. فناوری اطلاعات علاوه بر تأثیراتی که در سطح سرمایه اجتماعی در جوامع محلی دارد به شکل‌گیری جوامع فراملی به‌عنوان نوعی از جوامعی که مرزهای اجتماعی آن‌ها بر مبنای منافع و اهداف مشترک تعریف‌شده است نیز کمک می‌کند (شیرخانی، واسعی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۰). در حقیقت فناوری اطلاعات و به‌طور اخص اینترنت ضمن تسهیل ارتباط سریع در سطح جهانی و فراهم آوردن امکان مشارکت در منابع اطلاعاتی، شکل‌گیری و حفظ جوامع مجازی از مردم و مؤسساتی که دارای علائق مشترک هستند را آسان می‌کند (Naughton, Jon, 2001:147-168)؛ و به‌طور کلی فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب افزایش مشارکت افراد در سازمان‌های مردم‌نهادی می‌گردد که به بیان منافع و ارزش‌های موردنظر آن‌ها می‌پردازد (World Bank, 2009). اجتماع‌های مجازی بین‌المللی نیز نوعی از این اجتماعات هستند. بنابراین با ظهور این اجتماعات و فناوری اطلاعات افراد مختلف از مکان‌ها و اجتماعات با فرهنگ‌های متفاوت قادرند مفاهیم و علایق و اهداف مشترک را به مشارکت بگذارند؛ که به بهره‌مندی افراد از سرمایه اجتماعی بین‌المللی ناشی از این اجتماعات منجر خواهد شد. در اقدامات داوطلبانه بین‌المللی نیز، افراد به کمک کسانی مبادرت می‌ورزند که حتی آن‌ها را نمی‌شناسند و منشأ این اقدامات داوطلبانه در احساس تعلق به جامعه مشترک قرار دارد. به تعبیر رندل^۱ و همکارانش داوطلبان با این پیش‌فرض اقدام می‌کنند که اعتماد فرد به دیگران، به فرد بازخواهد گشت و این پیش‌فرض در برداشت ما از شهروندی مشترک ریشه دارد. بر این مبنا می‌توان مشارکت افراد در اقدامات داوطلبانه بین‌المللی را حاکی از وجود این احساس تعلق به یک جامعه مشترک در سطح بین‌المللی و نوعی شهروندی فراملی تلقی کرد (شیرخانی، واسعی‌زاده، ۱۳۹۱). در اینجا نیز شاهد اهمیت اعتماد و مشارکت به‌عنوان شاخص‌های مهم در سرمایه اجتماعی ملی و فراملی می‌باشیم. در عرصه بین‌المللی علاوه بر اقدامات داوطلبانه، شاهد شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی، سازمان‌ها و نهادهای امنیتی بین‌المللی و مجموعه قواعد و هنجارهای مشترکی هستیم که وجود سرمایه اجتماعی در هر کدام از آن‌ها بر امنیت بین‌الملل مؤثر می‌باشند. انگیزه دولت‌ها از ایجاد نهادها در



سطح بین‌الملل تقویت زمینه‌های اعتماد است؛ و به هر میزان که اعتماد جهانی در بین بازیگران بین‌المللی افزایش یابد زمینه‌های مشارکت جمعی نیز افزایش یافته و در سایه سرمایه حاصل از این اعتماد و مشارکت بین‌المللی، راه‌های ارتقای امنیت انسانی هموارتر خواهد شد. (Rathbun, Brian C, 2011:48)، البته ذکر این نکته ضروری است که در اعتماد اجتماعی بین‌المللی همواره باید نگاه برد. برد بر طرفین حاکم باشد و در صورتی که به هر دلیل نگاه یکی از بازیگران بین‌المللی، قیم مآبانه و صرفاً تأمین منافع خویش باشد قطعاً اعتمادی شکل نخواهد گرفت. بنابراین سازمان‌های بین‌دولتی، شبکه‌های اجتماعی مشخص ایجاد می‌کنند که به معین کردن شرایط عقلایی شدن راهبردهای خصمانه یا همکاری جویانه در عرصه بین‌المللی کمک می‌کند. از این منظر، مخاصمات نظامی میان دولت‌ها نه صرفاً حاصل شکست چانه‌زنی‌ها، بلکه وابسته به موقعیت‌های نسبی دولت‌ها در شبکه بزرگ‌تر سازمان‌های بین‌دولتی که به باورهای مشترک شکل داده و توزیع قدرت اجتماعی را تغییر می‌دهد قلمداد می‌شود. بنابراین آنچه در اینجا به‌طور خاص از این بررسی‌ها استناد می‌شود وجود شبکه‌های اجتماعی در تعاملات دولت‌ها با یکدیگر و دولت‌ها با افراد، سازمان‌ها و سایر گروه‌هایی است که هر یک از موقعیت اجتماعی خاص برخوردار بوده و نقش اجتماعی ویژه‌ای را ایفا می‌کنند (شیرخانی، واسعی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۲)؛ بنابراین بر اساس مؤلفه‌های ذکر شده می‌توان پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی در سطح ملی را به جامعه بین‌الملل تعمیم داد و از مزایای سرمایه اجتماعی فراملی در ارتقای امنیت انسانی، حفظ و توسعه صلح و امنیت جهانی بهره‌مند شد.

نتیجه‌گیری

عرصه بین‌الملل در دهه‌های اخیر شاهد تحولاتی اثرگذار در حوزه‌های امنیت، حکمرانی و مفاهیم اجتماعی بوده است. مفاهیمی همچون امنیت انسانی با ابعاد هفت‌گانه ظهور یافته و هم‌زمان با این دگردیسی مفهوم امنیت دولت‌محور به امنیت انسانی، الگوی حکمرانی مطلوب، مفهوم حکمرانی را دگرگون ساخته و در همین حال، گستره مفاهیم اجتماعی از قبیل اعتماد اجتماعی، مشارکت و سرمایه اجتماعی و ... در حال گذر از



مرزهای ملی به عرصه‌های فراملی هستند. همه این تغییر و تحولات ناشی از ضرورتی است که برای بهره‌مندی انسان‌ها از وجود جامعه‌ای امن و درعین‌حال برخوردار از امنیت انسانی در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، غذایی، زیست‌محیطی، شخصی و سلامت احساس می‌شود. اهمیت امنیت انسانی ناشی از آن است که این مفهوم در پی حفاظت و حراست از کرامت انسان‌ها در همه ابعاد زندگی است و این حفاظت کم‌اهمیت‌تر از امنیت کشورها و امنیت بین‌المللی نیست. چراکه امروزه خطرات و تهدیدات اشکال پیچیده و خطرناک‌تری یافته و بقای انسان‌ها و کرامت انسانی آنان را مورد هدف قرار داده‌اند. در مقاله حاضر تلاش بر این بود که با مفهوم شناسی امنیت انسانی و بُعد اجتماعی آن یعنی «امنیت اجتماعی» و بامطالعه مؤلفه‌های اثرگذار این بُعد از امنیت، با تمرکز بر روی شاخص سرمایه اجتماعی به این نتیجه برسیم که سرمایه اجتماعی حاصل همکاری‌های جمعی است و قادر است روند تبادل اطلاعاتی را تسهیل و روابط جدیدی را شکل دهد، که این روابط سطح اعتماد و مشارکت اجتماعی را در کنار تقویت هنجارهای اجتماعی، افزایش می‌دهد و از طرفی با بررسی نقش مؤثری که حکمرانی مطلوب در ارتقای شاخص‌های اعتماد و مشارکت و انسجام وفاق اجتماعی در سطح ملی ایفا می‌کند، این سرمایه را به‌عنوان یک سرمایه پایدار و ارزشمند ملی توسعه داده و با اقتداری که نظام سیاسی حاکم بر جامعه از این سرمایه کسب می‌کند و با بهره‌گیری از نقش شبکه‌های اجتماعی، اقدامات داوطلبانه فراملی، قواعد و هنجارها و شبکه‌های بین‌المللی، این سرمایه را تحت عنوان «سرمایه اجتماعی بین‌المللی» در عرصه فراملی طرح و زمینه‌هایی که منجر به ارتقای امنیت انسانی در همه ابعاد آن به‌ویژه امنیت اجتماعی می‌شود فراهم نمود.

منابع و مأخذ

- اچ ترنر، جاناتان، ۱۳۷۸. انسان، امنیت و اجتماع. ترجمه: محمد فولادی، مجله معرفت، شماره ۳۰.
- امیراحمدی، هوشنگ، ۱۳۷۴. نقش دولت و جامعه مدنی در فرآیند توسعه. ترجمه: علیرضا طیب، ماهنامه اطلاعات سیاسی. اقتصادی/ شماره ۹۹ و ۱۰۰.
- امین زاده، بهناز، ۱۳۷۹. مبانی امنیت در شهر اسلامی. فصلنامه پژوهش، شماره چهارم پاییز و زمستان.
- باری، بوزان (بی‌تا)، ۱۳۷۸. مردم، دولت‌ها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بحری‌پور، عباس، ذوالفقاری، ابوالفضل، رستگار خالد، امیر، ۱۳۹۱. بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان کاشان)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره چهارم.
- پاتنام، روبرت، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه عمد تقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام، ۱۳۸۰.
- پورسعید، فرزاد، ۱۳۸۷. امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، شماره ۳.
- تاج‌بخش، شهربانو، ۱۳۸۷. مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
- خواجه شاهکوهی، علیرضا، خوش‌فر، غلامرضا، ۱۳۹۰. دانشجو، ارزش‌ها و امنیت اجتماعی. مجموعه مقالات برتر اولین همایش امنیت اجتماعی.
- روزنا، جیمز، ۱۳۸۴. آشوب در سیاست جهان. ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر روزنه.
- سجادی، عبدالقیوم، ۱۳۷۹. تأملی در نظریه‌های امنیت بین‌المللی (قبل و بعد از فروپاشی شوروی). قم: فصلنامه‌ی علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۹.
- شولت، یان آرت، ۱۳۸۲. جهانی‌شدن و امنیت (نامنی). ترجمه: خلیل‌الله سردارآبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۲۲.
- شیرخانی، محمدعلی واسعی‌زاده، نسیم سادات، ۱۳۹۱. سرمایه اجتماعی و امنیت بین‌المللی. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲.
- عباس زاده، هادی، کرمی، کامران، ۱۳۹۰. سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول.
- عنان، کوفی، ۱۳۸۰. ما مردمان نقش سازمان ملل متحد در قرن بیست و یکم. رضا رضایی، تهران: نشر نگاره آفتاب.
- فن تیگرشتروم، باربارا، ۱۳۸۹. امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل. ترجمه: اردشیر امیرارجمند، تهران: انتشارات مجد.
- قاسمی، محمدعلی، ۱۳۸۴. امنیت انسانی: مبانی مفهومی و الزامات راهبردی. فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، شماره ۴.



- قاسمی، محمدعلی، ۱۳۸۷. نسبت امنیت انسانی و توسعه پایدار. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، پائیز، شماره ۳.
- کلمن، جیمز، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی، ۱۳۷۷.
- کارولین، توماس، ۱۳۸۲. حکومت جهانی؛ توسعه و امنیت انسانی. ترجمه: مرتضی بحرانی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۵۲. روابط بین الملل در تئوری و عمل. تهران: نشر قومس.
- کینگ، گری، ۱۳۸۳. بازاندیشی در امنیت انسانی. ترجمه: مرتضی بحرانی، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، شماره ۴.
- ماندل، رابرت، ۱۳۸۷. چهره‌ی متغیر امنیت ملی. چاپ ۳، مترجم: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی راهبردی.
- موتیمر، دیوید، ۱۳۸۰. فراسوی استراتژی، اندیشه انتقادی و مطالعات امنیتی نوین. محمود عسکری، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۳.
- نویدنیا، منیژه، ۱۳۸۲. درآمدی بر امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۹.

- Available at: <http://clinton2.nara.gov/WH/EOP/NSC/Strategv> (Sept. 2003).
- Available at: http://www.mzv.cz/bezp_strategie/ebs1.html (Sept. 2003).
- Available at <http://hdr.undp.org/en/reports/global/har1993/>. Human Development Report. Hawdon, J & Ryan, J. 2009. "Social Capital, Social control, and Changes in Victimization Rates", Crime & Delinquency, Vol. 55, No. 4.
- Available at: <http://har.undp.org/en/reports/global/har1994>.
- Fukuyama, Francis, 1995. "Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity. New York: The Free Press." World Bank, 2009, Social Capital and Information Technology Available at : <http://go.worldbank.org/86FVA2ZFL0> (accessed 2015-10-09).
- Naughton, Jon, 2001, Contested Space: The Internet and Global Civil Society in Anheier, H. Glasius, M. and Kaldor, M. (eds.) Global Civil Society. Oxford: Oxford University Press. Rathbun, Brian C, 2011, Trust in International Cooperation: International Security Institutions, Domestic Politics and American Multilateralism. Cambridge: Cambridge University Press.
- UNDP(1999), Human development report (1999) Oxford University Press, New York.
- Wolfers, A, 1962. Nation security as an ambiguous symbol: John Hopkins University Press, Waver, O. 2009. "Waltz Theory of Theory", Journals Permissions, Vol. 23(2).

